

یادداشت

یک میلیارد عید مبارکی!

بخشی از منازعات و درگیری‌های زندگی امروزی در این است که ما فقط به خودمان حق می‌دهیم. بدیهی است وقتی که ما برای طرف مقابل هیچ حقی قائل نشویم، احتمال انواع برخورد‌های خشونت‌آمیز افزایش می‌یابد. این موضع در راندنگی که مشخصاً بخشی از احساس

منفی ما در زندگی شهری را رقم می‌زند، به‌خوبی دیده می‌شود. تعادل به ما کمک می‌کند که حتی اگر فردی از خیابان یک‌طرفه وارد شده و راه ما را سد کرد، به خود اجازه ندهیم به هر شیوه‌ای با او برخورد کنیم؛ چراکه یک شخصیت متعادل، دارای این ویژگی است که کمتر چیزی می‌تواند او را از کوره به در برد. درست است که خشم بیشتر از آنکه ماهیت روان‌شناختی داشته باشد، وابسته به عوامل متعدد بیرونی است، ولی وقتی متعادل بودن، در فهرست ارزش‌های فرد جایگاه بالایی داشته باشد، رواداری را به ارغمان خواهد آورد. بدیهی است وقتی خود را به رواداری یابیند بدانیم، تاب‌آورتر هم خواهیم شد. توضیح اینکه روان آدمی این‌گونه است که وقتی در معرض انواع استرس‌های حاد و مزمن قرار گیرد، آستانه تحملش کاهش یافته و در نتیجه با هر واحدی از استرس، به هم ریخته و واکنش‌های هیجانی از خود بروز می‌دهد، ولی یکی از مبانی ذهنی یک فرد متعادل این است که چیزهای کمی وجود دارند که ارزش داشته باشند به دلیل آنها به هم ریخته و به‌اصطلاح، «خون خود را کنیف کنند». مثلاً اینکه در صف ایستاده‌یم و نفر پشت سر ما، حداقل فاصله فیزیکی را رعایت نکرده و با صدای بلند با گوشی خود مشغول صحبت است، موضوعی است که می‌تواند به‌راحتی بسیاری از ما را آشفته کرده و زمینه بگومگو و حتی یک مشاجره تمام‌عیار را فراهم کند. با وجود آنکه شخصیت متعادل، مبادی آداب بوده و به‌خوبی آداب اجتماعی را فراکرفته و در زندگی به کار می‌گیرد، اصلاً این انتظار را ندارد که دیگران نیز مثل او رفتار کنند. به این ترتیب موقعیت‌صغف‌شده، بیشتر از آنکه شخص متعادل را عصبانی کند، زمینه همدلی را برای او فراهم می‌کند. نکته دیگر، ترجیح‌نبد دیدوبازدیدهای نوروزی -عید شما مبارک- و معنای آن -آزروی ملی خوش برای شما- است. اگر در نظر بگیریم فقط نیمی از جمعیت ۸۷ میلیون نفری ایران هریک به پنج خانواده سر زده و هر خانواده نیز حداقل سه عضو داشته باشد، با احتساب حداقل آمار یازدید، احتمالاً یک میلیارد بار، «عید شما مبارک» و «آرزوی سالی خوش برای شما» در کشور به زبان آورده شده و شنیده می‌شود. طبیعتاً در این فضای مثبت‌گویی، احساسات مثبتی نظیر شادی، سرزندگی، نشاط و… بین افراد و متعاقباً جامعه افزایش خواهد یافت. حال اگر بتوان احساسات مثبت ناشی از تعارفات نوروزی را مداوم بخشید، احتمالاً فضای مثبت ایام نوروز نیز ادامه خواهد یافت. برای دستیابی به این هدف، باز لازم است که به تاریخ رجوع کنیم. اگرچه بین تاریخ‌دانان اتفاق نظر وجود ندارد که دین رسمی هخامنشیان، زردشتی بوده است، ولی براساس کتیبه‌های آن دوره، آنان به اهورامزدا به عنوان خدای بزرگ باور داشته‌اند. براسا این، از آن زمان دین زردشت در زندگی مردم وجود داشته و از اصول آن در روابط اجتماعی چوید بهره می‌بردند. از آن تاریخ، حداقل آرزوهای که از آن دین در اذهان بسیاری از ما ایرانیان جای گرفته است، «بنادر نیک، گفتار نیک، کردار نیک» است. در ایام نوروز به دلیلی که ذکر شد، نیکی گفتار به پندار و کردار سرایت کرده و فضای مثبتی را ایجاد می‌کند. پس درصورتی‌که تلاش کنیم در طول سال با دیگران و خود نیک‌گفتارتر شده و به آنان احترام بگذاریم، تلاش کنیم با لایه‌های مختلف افکار خود بیشتر آشنا شده و مانع از آن شویم که انواع و‌انقسام افکار ناگوارآمد، احساسات قدرتمندی نظیر غم، خشم و نگرانی را

در ما تشدید کنند، در نهایت مانع از شکل‌گیری رفتارهایی با پیامدهای منفی نظیر پرخاشگری و خشونت خواهیم شد. روشن است که صلح در درون، نتیجه تعادل و نیک‌اندیشی است. آنچه به ما کمک می‌کند به این صلح درونی دست یابیم، چیزی جز انجام فعالیت‌های که غنای درون را عمق می‌بخشد، نخواهد بود. البته جای بسی تعجب است که چگونه حافظ با آن همه دقت میکروسکوپی که به زندگی بافته است، در ستایش پرستو به عنوان پیام‌آور بهار و نوروز هیچ شعری نگفته است. غیر از آنکه در قرن هفتم، از اواخر زمستان تا اواسط بهار، آسمان شیراز جولانگاه پرستوهای شاد نبوده باشد:

آدمی نیست که عاشق نشود
وقت بهار / هر گیاهی که به نوروز نجبد،
حطب است

صلح، اولویت همیشگی مردم ایران

نمونه روشن و قابل احترامش همان مورد تله جنگ با طالبان بعد از حمله به کنسولگری ایران در مزار شریف و شهادت دیدلمات‌های ایرانی که با اینکه توان رزمی و قدرت ما چندین برابر طالبان بود، اما هوشیاری و درایت سبب شد حتی در جنگی که احتمال پیروزی‌اش بسیار زیاد بود و وارد نشویم. عقلانیت یعنی همین. همین‌که حتی اگر جنگ را بتوانیم با پیروزی به پایان ببریم، از ورود به آن برهیز کنیم. کافی است آنها که دم از شجاعت می‌زنند، سری هم به آبادان و خرمشهر بزنند تا زخم‌های جنگی که ۳۶ سال پیش پایان یافت را بر تن این دو شهر ببینند که هنوز چرکین است. تازه آن عراق بود و ما ایران بعد از یک انقلاب شکوهمند با حمایت گسترده مردمی. یادمان باشد که انتخابات ریاست‌جمهوری گذشته و برگزیدن پزشکیان از سوی مردم، یعنی همین تصمیمی که امروز شنبه در عمان انجامش آمدیم و به خواسته مردم احترام گذاشتیم. مردم صلح‌طلب ایران.

قیه زغال‌وزمستان

پس بیایم کمینه در مقام تبیین و تحلیل مسئله صادق باشیم و شفاف: «مدعی بسیار داری اندرین صنعت ولیک / زیرکان دانند سیر از سوسن و خار از سمن»

بدان که آب دهان به روی مردمی انداخته‌ای که در ایران داری و ایران‌بانی کارنامه‌ای بس درخشان و روشن دارند و به خلاف آن گفته‌های سخیف و آن‌دعاهای ضعیف، هم‌اینک نیز تأمین‌کننده آب قمرود از کلیایکان هستند. اینان باور دارند که چو ایران نباشد تن من مباد، اما برنمی‌تابند که شردمه‌ای تهی چشم تذرمان، بوم‌وار، هیزم‌آور خرمن آتشی شوند که خلاقیت نژاده از سه استون و آن‌ان کام خویش برند و طریفانه بر کشته و کرده غلط مدیریتی خویش غبار فراموشی برنشانند و خورشید را به کسوف و ماه را به خسوف کشانند.راقم این سطور به‌جای شما از دو شمار از هم‌وطنانم عدرخواهم: اول از یزدیان و چهارمحالیان که به آنان آدرس غلط دادید و بذر خشم در دلشان افشاندید و دوم از اصفهانیان که در حشمان جفا کردید و با نوشته‌های به‌غایت ناراست، آنان را رنجاندید. آن‌هم در جانب کسی که می‌توانست با رهیافتی عقلانی و به دور از رویکردی احساسی، نقاد رویه‌ای باشد که بانی وضع موجود است: «برده ناموس از زخم زبان لرده به خود / هیچ پروا از ملامت نیست رسواکرده را»

در پایان، این بند سعدی را فریاد خود و شما می‌آورم که فرمود: «یاد دارم که در ایام طفولیت مُعَبِد بومدی و شب‌خیز و مَولِع زهد و پرهیز، شبی در خدمت پدر، رجمه‌الله علیه، نشسته بودم و همه شب دیده بر هم نبسته و مُصَحَف عزیز بر کنار گرفته و طایفه‌ای گرد ما خفته.

پدر را گفتم: از ایشان یکی سر برنمی‌دارد که دوگانه‌های بگزارد. چنان خواب غفلت برده‌اند که گویی نخفته‌اند که مرده‌اند.

گفت: جان پدر! تو نیز اگر بخفتی به از آن که در پوستین خلق افتی.

بنیند مدعی جز خویشتر را / که دارد برده پندار در پیش / کرت چشم خدا بینی بیخشد

بنینی هیچ‌کس عاجزتر از خویش» (گلستان سعدی، باب دوم (اخلاق درویشان) حکایت هفتم).

چنین بادا که همه مردم سرزمینم نیبذنوش باشند و سرودنیوش.



گفت‌وگو با علیرضا حسینی ، عضو هیئت رئیسه خانه سینما

سینماگر ممنوع‌الکار نداریم



بهناز شیربانی

علیرضا حسینی ، نماینده هیئت‌رئیسه خانه سینما در کمیته حمایت حقوقی و قضایی از سینماگران و هنرمندان، معتقد است که شرایط حضور اعضای خانه سینما در پروژه‌های سینمایی و نمایش خانگی در سال ۱۴۰۳ بهتر از سال‌های گذشته بوده است. این در حالی است که به‌زودی قرارداد «تیب» که بسیاری از سینماگران خواستار اجرائی شدن آن در سینما بودند نیز به‌مرور به مراحل اجرائی نزدیک می‌شود و می‌توان تا حدود زیادی از طریق آن به امنیت شغلی اهالی سینما امیدوار بود. حسینی در بخش دیگری از گفت‌وگوی خود با روزنامه «شرق» به فعالیت حرفه‌ای برخی سینماگران اشاره کرد. اینکه اگرچه متأسفانه وجود بخشی از مقررات و ایجاد محدودیت‌ها باعث شده است تعدادی از هنرمندان سینما در حال حاضر وقفه‌ای ناخواسته برای حضور در فعالیت‌های سینمایی داشته باشند، اما خوشبختانه در حال حاضر رسماً و طبق قانون توسط دادگاه‌ها و قوه قضائیه سینماگر ممنوع‌الکار نداریم. در ادامه، گفت‌وگوی ما با علیرضا حسینی را می‌خوانیم.

فکر می‌کنم زمان مناسبی است که در ابتدای سال، نگاهی

به سالی که بر سینمای ایران گذشت داشته باشیم. مدتی است تولیدات شبکه نمایش خانگی بیشتر از سابق شده و در کنارش

تولیدات سینمایی هم به نسبت قبل بیشتر شده است. در این

مدت شرایط و وضعیت اهالی سینما به لحاظ امنیت شغلی

چطور بود؟

پس از گذر از بحران کرونا و اتفاقات ۱۴۰۱، وضعیت تولید فیلم در سال ۱۴۰۳ مناسب‌تر از چند سال قبل بود و در کنار آن، چند سریال خانگی هم تولید شد و در مجموع تعداد بیشتری از سینماگران مشغول به کار بودند. اگر این روند ادامه یابد، در سال ۱۴۰۴ شرایط کار برای سینماگران بهتر خواهد شد. این سخن به این معنی نیست که همه سینماگران مشغول کار بوده‌اند و همگی شرایط کاری و شغلی مناسبی داشته‌اند. با توجه به فیلم‌های حاضر در جشنواره در سال ۱۴۰۳ و تعدد و تنوع تولیدات سینمایی که بخشی از آنها در جشنواره چهل‌وسوم فیلم فجر ملاحظه شد، نشانه‌های بهبود وضعیت آماری تولید فیلم نسبت به پنج سال گذشته مشخص بود. تولید بیش از صد فیلم با فرض اینکه اگر به طور متوسط در هر فیلم ۵۰ سینماگر مشغول شده باشند، یعنی حداقل پنج هزار نفر در فرایند تولید فیلم‌های سینمایی مشارکت داشته‌اند که تقریباً معادل دوسوم اعضای سینماست. البته تعدادی از فعالان سینمایی ممکن است چند قرارداد کاری در سال داشته باشند و تعدادی از سینماگران موفق به انجام کار نشوند که لازم است این مسئله را حل کنیم

شرایط کار برای همه سینماگران مهیا شود. خانه سینما این مهم را به‌جد در دستور کار قرار داده است. خوشبختانه سرمایه انسانی متخصص در سینما، که مهم‌ترین سرمایه در تولید فیلم است، در کشور وجود دارد و تولید این تعداد فیلم نشان می‌دهد که چشم‌انداز شرایط تولیدات سینمایی مثبت است و می‌تواند بسیار بهتر شود. در کنار ساخت آثار سینمایی، پلتفرم‌ها هستند که سریال‌های متعددی را برای نمایش خانگی تولید می‌کنند و بسیاری از اعضای صنوف در رشته‌های مختلف مشغول همکاری با آنها هستند. سریال‌های تلویزیونی که برخی از آنها سریال‌های بزرگی هستند نیز تعداد زیادی از متخصصان و هنرمندان سینما را مشغول به کار کرده است. بنابراین برای اعضای خانه سینما و حتی فعالان که عضو خانه سینما هم نیستند، فرصت کار فراهم است. فکر می‌کنم در حال حاضر تعداد تولیدات قابل قبول است و اگر برنامه‌ای برای میزان و شرایط حضور فعالان سینما در پروژه‌ها وجود داشته باشد، نباید کسی در سینما بی‌کار بماند، مگر به دلایل سلیقه‌ای و وجود محدودیت‌های بخش‌نامه‌ای که برای تولید فیلم وجود دارد. تعدادی از هنرمندان و سینماگران، خواهند بود. هنرمند را نباید از شغل و زندگی حرفه‌ای محروم کرد. امیدواریم محدودیت‌های غیرضروری پایان یابد و شرایط کار برای همه هنرمندان فراهم شود.

▪ شاید به صورت مکتوب ممنوع‌الکاری وجود ندارد، اما برخی از همکاران شما امکان کارکردن ندارند؛ مثلاً ترانه علیدوستی.

تعدادی از بازیگران و همکاران ممنوعیت قانونی برای کار ندارند ولی همان‌طور که قبلاً اشاره شد، محدودیت‌های موجود امکان حضور در کار را برای آنها ایجاد کرده است؛ مثل خانم ترانه علیدوستی که شما اشاره کردید. اگر تهیه‌کننده یا کارگردانی از او برای کار دعوت کند و ایشان بپذیرند، کسی نمی‌تواند جلوی کارکردن ایشان را بگیرد. خانم علیدوستی هم می‌تواند کارش را انجام بدهد. در دو سال و نیم گذشته کمیته حمایت حقوقی و قضایی از هنرمندان در خانه سینما در کنار هنرمندان بوده است و خواهد بود. هنرمند را نباید از شغل و زندگی حرفه‌ای محروم کرد. امیدواریم محدودیت‌های غیرضروری پایان یابد و شرایط کار برای همه هنرمندان فراهم شود.

▪ برگردیم به صحبت‌های ابتدایی شما. مسئله قرارداد «تیب» موضوعی است که بسیاری از صنوف خانه سینما سال‌هاست خواستار اجرائی شدن آن بودند. به محض اجرائی شدن آن فکر می‌کنید تا چه حد امنیت شغلی صنوف را تضمین می‌کند؟

وقتی از قرارداد تیب با همکاران صحبت می‌کنیم، هم نظرات و خواسته‌های مشترک زیادی مطرح می‌شود و هم خواسته‌های متنوع و متفاوت. قرارداد تیب باید بتواند شرایط و استانداردهای لازم برای ایجاد امنیت شغلی همه سینماگران را تأمین کند و برای تنظیم آن نیاز به گفت‌وگو و رایزنی با نمایندگان همه صنوف است که تاکنون با ۱۰ صنف جلساتی را برگزار کرده‌ایم و با دیگر نمایندگان صنوف نیز در دو ماه پیش‌رو جلسه مشورتی خواهیم داشت تا نظر همه صنوفی که به عنوان طرف اول و دوم در قرارداد‌های کاری حضور دارند، شنیده شود. مواردی مانند رعایت پرداخت حداقل دستمزد متناسب با کار محول‌شده، بیمه، استفاده از تجهیزات ایمن و رعایت امنیت شغلی و مواردی مثل ساعات کاری و تعطیلات و استراحت کاری، لزوم تحویل نسخه قرارداد به طرف دوم، اضافه‌کاری، کار در شرایط سخت و بسیاری از مسائل و مشکلات و خواسته‌های مشاغل سینمایی موضوعاتی است که طرف‌های قرارداد مطرح می‌کنند. مثلاً به ازای ۱۰ روز



گفت‌وگو با علیرضا حسینی ، عضو هیئت رئیسه خانه سینما

سینماگر ممنوع‌الکار نداریم



بهناز شیربانی

حرفه‌ای سینمای ایران از فیلم‌سازان فیلم کوتاه و مستندسازان و انیمیشن‌سازانی هستند که در دهه ۷۰ و ۸۰ کار خود را آغاز کردند و به قله‌های جهانی رسیده‌اند و بسیاری از جوانان تحصیل‌کرده و متخصص سینما نیز در حال حاضر در سینمای مستند و فیلم کوتاه و انیمیشن مشغول به کار هستند ولی بوده‌جه مناسبی برای تولید اثر ندارند و حمایت لازم از آنها نمی‌شود که سیاست‌گذاری درست دولت می‌تواند این مشکل را حل کند. برای مثال برای حدود ۵۰۰ نفر مستندساز عضو خانه سینما در دولت دوازدهم طرحی در دولت تصویب شد که وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها را مکلف به مستندنگاری و مستندسازی از پروژه‌های ملی کرده است و در دولت چهاردهم این طرح باید اجرا شود و اکنون شرایط آن آماده است.

اجرائی شدن این طرح می‌تواند بسیاری از مستندسازان و سینماگران را مشغول به کار کند و برای ثبت پروژه‌های ملی کشور از مرحله طرح تا به سرانجام رسیدن پروژه‌های ملی

مستندنگاری کند و تجربه حاصل را به آیندگان منتقل کند. همچنین حمایت از تولیدات فیلم کوتاه توسط بخش‌های مختلف در کشور می‌تواند هزاران فیلم‌ساز را مشغول به کار کند با حمایت از تولید فیلم انیمیشن که مشاهده کردید چه موفقیت بزرگی را برای سینمای ایران در اسکار کسب کرده است. اینها بیانگر فعالیت‌های درست و حرفه‌ای اعضا و صنوف خانه سینماست. کافی است محدودیت‌های دست‌وپاگیر و قوانین بی‌خاصیت حذف شود تا شاهد رشد کمی و کیفی آثار سینمایی در سینمای ایران و مستند و فیلم کوتاه و انیمیشن باشیم. خانه سینما نیز به عنوان جامعه اصناف سینمای ایران پیگیر این مطالبات برای صنوف است.

آیا از سینماگران کسی ممنوع‌الکار است؟

اصلاً در سینما و برای هنرمندان ممنوع‌الکار معنی ندارد. کسی حق ندارد هنرمندی را ممنوع‌الکار کند. فقط دادگاه و به حکم قاضی، آن هم با دلایل محکمه‌بسنده می‌تواند هنرمندی را برای مدتی محدود از فعالیت منع کند با محدودیت ایجاد کند که خوشبختانه هیچ‌کسی از سینماگران در شرایط حاضر چنین محکومیتی از طرف دادگاه‌های قوه قضائیه ندارد. اگرچه متأسفانه وجود بخشی از مقررات و ایجاد محدودیت‌ها باعث شده است تعدادی از هنرمندان سینما در حال حاضر وقفه‌ای ناخواسته برای حضور در فعالیت‌های سینمایی داشته باشند، اما خوشبختانه در حال حاضر رسماً و طبق قانون توسط دادگاه‌ها و قوه قضائیه سینماگر ممنوع‌الکار نداریم.

▪ شاید به صورت مکتوب ممنوع‌الکاری وجود ندارد، اما برخی از همکاران شما امکان کارکردن ندارند؛ مثلاً ترانه علیدوستی.

اصلاً در سینما و برای هنرمندان ممنوع‌الکار معنی ندارد. کسی حق ندارد هنرمندی را ممنوع‌الکار کند. فقط دادگاه و به حکم قاضی، آن هم با دلایل محکمه‌بسنده می‌تواند هنرمندی را برای مدتی محدود از فعالیت منع کند با محدودیت ایجاد کند که خوشبختانه هیچ‌کسی از سینماگران در شرایط حاضر چنین محکومیتی از طرف دادگاه‌های قوه قضائیه ندارد. اگرچه متأسفانه وجود بخشی از مقررات و ایجاد محدودیت‌ها باعث شده است تعدادی از هنرمندان سینما در حال حاضر وقفه‌ای ناخواسته برای حضور در فعالیت‌های سینمایی داشته باشند، اما خوشبختانه در حال حاضر رسماً و طبق قانون توسط دادگاه‌ها و قوه قضائیه سینماگر ممنوع‌الکار نداریم.

▪ شاید به صورت مکتوب ممنوع‌الکاری وجود ندارد، اما برخی از همکاران شما امکان کارکردن ندارند؛ مثلاً ترانه علیدوستی.

تعدادی از بازیگران و همکاران ممنوعیت قانونی برای کار ندارند ولی همان‌طور که قبلاً اشاره شد، محدودیت‌های موجود امکان حضور در کار را برای آنها ایجاد کرده است؛ مثل خانم ترانه علیدوستی که شما اشاره کردید. اگر تهیه‌کننده یا کارگردانی از او برای کار دعوت کند و ایشان بپذیرند، کسی نمی‌تواند جلوی کارکردن ایشان را بگیرد. خانم علیدوستی هم می‌تواند کارش را انجام بدهد. در دو سال و نیم گذشته کمیته حمایت حقوقی و قضایی از هنرمندان در خانه سینما در کنار هنرمندان بوده است و خواهد بود. هنرمند را نباید از شغل و زندگی حرفه‌ای محروم کرد. امیدواریم محدودیت‌های غیرضروری پایان یابد و شرایط کار برای همه هنرمندان فراهم شود.

▪ برگردیم به صحبت‌های ابتدایی شما. مسئله قرارداد «تیب» موضوعی است که بسیاری از صنوف خانه سینما سال‌هاست خواستار اجرائی شدن آن بودند. به محض اجرائی شدن آن فکر می‌کنید تا چه حد امنیت شغلی صنوف را تضمین می‌کند؟

وقتی از قرارداد تیب با همکاران صحبت می‌کنیم، هم نظرات و خواسته‌های مشترک زیادی مطرح می‌شود و هم خواسته‌های متنوع و متفاوت. قرارداد تیب باید بتواند شرایط و استانداردهای لازم برای ایجاد امنیت شغلی همه سینماگران را تأمین کند و برای تنظیم آن نیاز به گفت‌وگو و رایزنی با نمایندگان همه صنوف است که تاکنون با ۱۰ صنف جلساتی را برگزار کرده‌ایم و با دیگر نمایندگان صنوف نیز در دو ماه پیش‌رو جلسه مشورتی خواهیم داشت تا نظر همه صنوفی که به عنوان طرف اول و دوم در قرارداد‌های کاری حضور دارند، شنیده شود. مواردی مانند رعایت پرداخت حداقل دستمزد متناسب با کار محول‌شده، بیمه، استفاده از تجهیزات ایمن و رعایت امنیت شغلی و مواردی مثل ساعات کاری و تعطیلات و استراحت کاری، لزوم تحویل نسخه قرارداد به طرف دوم، اضافه‌کاری، کار در شرایط سخت و بسیاری از مسائل و مشکلات و خواسته‌های مشاغل سینمایی موضوعاتی است که طرف‌های قرارداد مطرح می‌کنند. مثلاً به ازای ۱۰ روز

گزارش

فیلمی که سیدحسن حسینی را سالم‌روایت می‌کند

مراسم اکران و نقد فیلم مستند «مشت در نمای درشت» هم‌زمان با روز هنر انقلاب و با حضور برخی از عوامل و استادان و علاقه‌مندان فرهنگی و هنری در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات برگزار شد. پیش از همه، طیبه عزت‌اللهی‌نژاد، مدیر پژوهشکده هنر پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات، در ابتدای نشست با تأکید بر جایگاه ادبیات فارسی و کم‌توجهی به آن، با اشاره به یکی از قسمت‌های سریال پرترفدار این روزهای تلویزیون یعنی «پایتخت ۷»، گفت: همان‌طور که به طور طنز در سکانسی از این فیلم، مردم ایران به ادبیات غنی فارسی بی‌توجهی می‌کنند، اما مردم تاجیکستان آن را ارج می‌نهند؛ واقعیت این است که ادبیات جهان موزای اندیشه در یک جامعه است اما متأسفانه می‌بینیم که حوزه آموزش ما ادبیات و هنر را خیلی جدی نگرفته است. دانشگاه‌های ما افراد را به سمت الکن‌شدن می‌برند و ما بعد از فارغ‌التحصیلی خیلی نمی‌توانیم از غنای کلامی استفاده کنیم. او بیان کرد: واقعیت این است که اصف‌همان‌طور که هنر برای هنر یک اجنه‌ف‌بزرگ است و به حاشیه بردن هنر از میدان تأثیرگذاری است، ادبیات برای ادبیات و محدودیت آن به استفاده از واژگان و خلاقیت در واژگان هم ظلم بزرگی است. ادبیات داستان زندگی و تجربه زیسته ایرانیان و در طول تاریخ صیاد بلند اندیشه است.

در ادامه این مراسم، اسماعیل امینی، شاعر و از دوستان نزدیک زنده‌یاد سیدحسن حسینی، گفت: ما اگر متولی و دلسوز هنر انقلاب داریم، چطور است که هیچ اثر شیو سامان علمی نداریم. با وجود اینکه فکر می‌کنیم می‌دانیم هنر انقلاب را می‌شناسیم، پس نیازی نداریم که رهاوردهایش را ثبت کنیم. یکی از چیزهایی که در روز هنر انقلاب به کار می‌آید و به آن نیاز داریم، توجه به این مسئله است که اثر شیو بسیار مهم است. امینی در ادامه سخنانش به فیلم مستند «مشت در نمای درشت» پرداخت و عنوان کرد، ن به تبحری در حوزه سینما ندارم و از این منظر سخن نمی‌گویم، اما با شناختی که از موضوع دارم و پس از چند بار تماشای فیلم، می‌توانم اذعان کنم که کاری که آقای حاجت‌الاسلامی در این فیلم کرده، تا جایی که امکان داشته و توانسته، روایت نسبتاً بی‌غرض از سیدحسن حسینی را ارائه داده است و کار ارزشمندی از آب درآمده؛ اگرچه بخشی از موارد را هم براساس شرایط اصلاً نگفته، همان‌طور که درباره افراد دیگر هم نمی‌توانیم بگوییم. ضمن اینکه باید تأکید کنم همان‌طور که در فیلم اشاره شده، داشنگاه آزاد اسلامی هنوز هم بعد از گذشت این‌همه سال، مدرک دکترای سیدحسن حسینی را به خانواده‌اش ن داده است. در ادامه این نشست، حبیب احمدزاده، نویسنده و کارگردان، نیز ابتدا درباره آشنایی خودش با سیدحسن حسینی و اندیشه‌هایش گفت: من ۱۵ سالم بوده هم بعد از گذشت این‌همه سال، مدرک دکترای سیدحسن حسینی را به خانواده‌اش ن داده است. در ادامه این نشست، حبیب احمدزاده، نویسنده و کارگردان، نیز ابتدا درباره آشنایی خودش با سیدحسن حسینی و اندیشه‌هایش گفت: من ۱۵ سالم بوده هم بعد از گذشت این‌همه سال، مدرک

دکترای سیدحسن حسینی را به خانواده‌اش ن داده است. در ادامه این نشست، حبیب احمدزاده، نویسنده و کارگردان، نیز ابتدا درباره آشنایی خودش با سیدحسن حسینی و اندیشه‌هایش گفت: من ۱۵ سالم بوده هم بعد از گذشت این‌همه سال، مدرک دکترای سیدحسن حسینی را به خانواده‌اش ن داده است. در ادامه این نشست، حبیب احمدزاده، نویسنده و کارگردان، نیز ابتدا درباره آشنایی خودش با سیدحسن حسینی و اندیشه‌هایش گفت: من ۱۵ سالم بوده هم بعد از گذشت این‌همه سال، مدرک دکترای سیدحسن حسینی را به خانواده‌اش ن داده است. در ادامه این نشست، حبیب احمدزاده، نویسنده و کارگردان، نیز ابتدا درباره آشنایی خودش با سیدحسن حسینی و اندیشه‌هایش گفت: من ۱۵ سالم بوده هم بعد از گذشت این‌همه سال، مدرک دکترای سیدحسن حسینی را به خانواده‌اش ن داده است. در ادامه این نشست، حبیب احمدزاده، نویسنده و کارگردان، نیز ابتدا درباره آشنایی خودش با سیدحسن حسینی و اندیشه‌هایش گفت: من ۱۵ سالم بوده هم بعد از گذشت این‌همه سال، مدرک دکترای سیدحسن حسینی را به خانواده‌اش ن داده است. در ادامه این نشست، حبیب احمدزاده، نویسنده و کارگردان، نیز ابتدا درباره آشنایی خودش با سیدحسن حسینی و اندیشه‌هایش گفت: من ۱۵ سالم بوده هم بعد از گذشت این‌همه سال، مدرک دکترای سیدحسن حسینی را به خانواده‌اش ن داده است. در ادامه این نشست، حبیب احمدزاده، نویسنده و کارگردان، نیز ابتدا درباره آشنایی خودش با سیدحسن حسینی و اندیشه‌هایش گفت: من ۱۵ سالم بوده هم بعد از گذشت این‌همه سال، مدرک

دکترای سیدحسن حسینی را به خانواده‌اش ن داده است. در ادامه این نشست، حبیب احمدزاده، نویسنده و کارگردان، نیز ابتدا درباره آشنایی خودش با سیدحسن حسینی و اندیشه‌هایش گفت: من ۱۵ سالم بوده هم بعد از گذشت این‌همه سال، مدرک دکترای سیدحسن حسینی را به خانواده‌اش ن داده است. در ادامه این نشست، حبیب احمدزاده، نویسنده و کارگردان، نیز ابتدا درباره آشنایی خودش با سیدحسن حسینی و اندیشه‌هایش گفت: من ۱۵ سالم بوده هم بعد از گذشت این‌همه سال، مدرک دکترای سیدحسن حسینی را به خانواده‌اش ن داده است. در ادامه این نشست، حبیب احمدزاده، نویسنده و کارگردان، نیز ابتدا درباره آشنایی خودش با سیدحسن حسینی و اندیشه‌هایش گفت: من ۱۵ سالم بوده هم بعد از گذشت این‌همه سال، مدرک دکترای سیدحسن حسینی را به خانواده‌اش ن داده است. در ادامه این نشست، حبیب احمدزاده، نویسنده و کارگردان، نیز ابتدا درباره آشنایی خودش با سیدحسن حسینی و اندیشه‌هایش گفت: من ۱۵ سالم بوده هم بعد از گذشت این‌همه سال، مدرک دکترای سیدحسن حسینی را به خانواده‌اش ن داده است. در ادامه این نشست، حبیب احمدزاده، نویسنده و کارگردان، نیز ابتدا درباره آشنایی خودش با سیدحسن حسینی و اندیشه‌هایش گفت: من ۱۵ سالم بوده هم بعد از گذشت این‌همه سال، مدرک دکترای سیدحسن حسینی را به خانواده‌اش ن داده است. در ادامه این نشست، حبیب احمدزاده، نویسنده و کارگردان، نیز ابتدا درباره آشنایی خودش با سیدحسن حسینی و اندیشه‌هایش گفت: من ۱۵ سالم بوده هم بعد از گذشت این‌همه سال، مدرک

دکترای سیدحسن حسینی را به خانواده‌اش ن داده است. در ادامه این نشست، حبیب احمدزاده، نویسنده و کارگردان، نیز ابتدا درباره آشنایی خودش با سیدحسن حسینی و اندیشه‌هایش گفت: من ۱۵ سالم بوده هم بعد از گذشت این‌همه سال، مدرک